

# بسم الله الرحمن الرحيم



اولین تهاجم بزرگ اعراب به ایران ، پیکار بزرگ شاپور دوم و قروه  
بن مخرم

## تاریخ ساسانیان

بعضی تصور می کنند که اولین تهاجم اعراب به ایران در دوره خلافت خلیفه دوم در سال 637 میلادی و پانزدهم هجری صورت گرفت ، حال آنکه اولین تهاجم بزرگ اعراب به ایران در سال 318 میلادی به فرماندهی قروه بن مخلب آغاز شد. قروه بن مخلب به شوش حمله ور گردید و بعد از فتح آن شهر ، هر چه قابل حمل بود از طرف سربازانش به یغما رفت و تمام مردان و زنان جوان را به اسارت بردند و وقتی سپاه اعراب از شوش گذشت ، از شهر غیر از ویرانه یی باقی نماند.

در سال 328 بعد از میلاد مسیح که شاپور دوم جوانی هیجده ساله بود ، سردار معروف عرب یعنی قروه بن مخلب برای چندمین بار با سپاهی که به قول یکی از مورخین قدیم (شماره سربازان آن از شماره ریگ های بیابان بیشتر بود) تصمیم گرفت به قلب تپنده امپراطوری ساسانی یعنی تیسفون حمله ور شود؛ عزم او نشان می داد که مصمم است کار شاپور دوم را یکسره کند و اراضی حاصل خیز واقع در مشرق بین النهرین را به تصرف در آورد. متأسفانه اغراق گویی بعضی از مورخین قدیم مانع از این است که ما بدانیم سردار عرب با چند سرباز قصد داشته پایتخت سلاطین ساسانی را به تصرف در آورد.



**نقاشی جرج راویلسون از شاپور دوم و سوم در طاق بسطان**

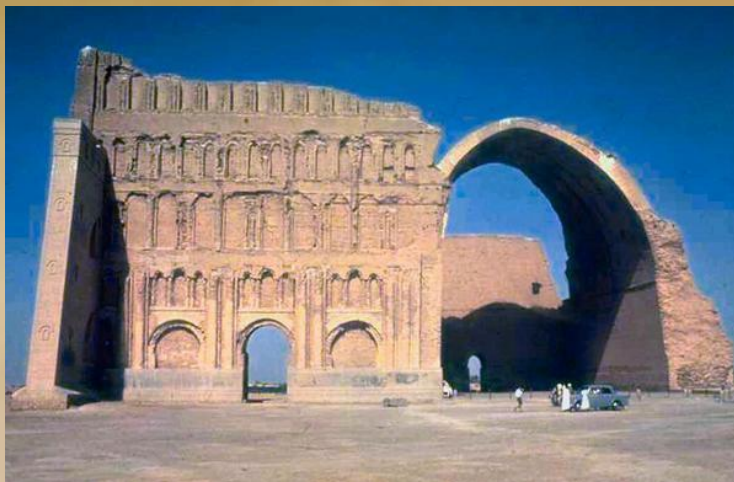


**شاپور دوم یا شاپور بزرگ یا شاپور ذوالاکتاف از ۳۰۹ تا سال ۳۷۹ میلادی، دهمین پادشاه ساسانی بود**

قروه بن مخرمب سرداری لایق و آشنا با رموز سوق الجیشی بود در جنوب رودخانه فرات سپاهش را از گذار عبور داد و وارد بین النهرین حقیقی، یعنی اراضی واقع در بین فرات و دجله شد.

سردار عرب نمی توانست از وسط آن اراضی عبور کند برای این که در وسط آن اراضی آب کافی برای تامین سپاه اعراب وجود نداشت و او مجبور شد که در طول رود فرات یا در طول رود دجله حرکت کند تا این که پیوسته برای رفع احتیاج سپاه آب کافی داشته باشد و چون میخواست به پایتخت شاپور دوم ، واقع در کنار دجله حمله کند ، در طول ساحل غربی رود دجله ( ساحل راست آن رود) به طرف شمال به حرکت در آمد.

## تاریخ ساسانیان



تیسفون (Ctesiphon) پایتخت ساسانیان



تیسفون نزدیک به ششصد سال پایتخت ایران بود و از گودرز دوم (۴۱ میلادی) تا اردوان پنجم (۲۵۹-۲۲۶ میلادی) در دوره اشکانیان، و از اردشیر اول (۲۲۶-۲۴۱ میلادی) تا یزدگرد سوم (۳۷۱/۳۷۲-۶۵۱ میلادی) در دوره ساسانیان در تیسفون شهریاری کردند

## تاریخ ساسانیان

در گذشته در بعضی از کشورها تاریخ جنگ مطیع تاریخ فصول بود و می دانیم که حتی امروز نیز این تعبد از بین نرفته است، همچنان که در جنگ جهانی دوم هیتلر ، رهبر آلمان نازی مجبور شد تاریخ پیکار های روسیه را منطبق با فصل گرما بکند زیرا قشون اون نمی توانست در زمستان سرد روسیه بجنگند.

در بین النهرین هم در فصل تابستان هوا خیلی گرم می شد (اکنون هم به همین منوال است) و گرما مانع از راه پیمایی قشون می گردید . لذا قروه بن مخلب در آغاز پاییز که هوای صحرا خنک می شد به راه افتاد تا بتواند در آغاز دومین ماه پاییز با ایرانیان بجنگند. سربازان او لباس گرم به همراه خود داشتند چون سردار عرب می دانست که در فصل پاییز هنگام شب هوای صحرا سرد می شود و سربازان او هرگاه لباس گرم نداشته باشند در شب از سرما معذب خواهند شد. سربازان او هنگام روز لباس را از تن بیرون می آوردند و در کوله پشتی خود می نهادند و در هنگام شب آن را می پوشیدند.

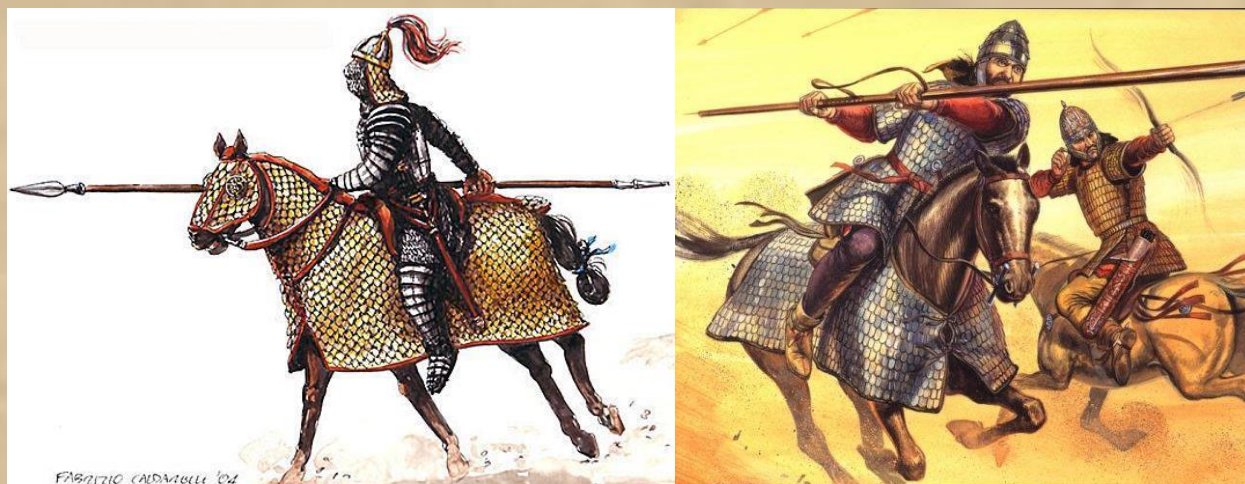


### سربازان عهد امپراطوری ساسانی

غذای اصلی عرب بادیه معمولاً شیر شتر بود ، گاهی هم گوشت شتر می خوردند و در نقاطی که خرما وجود داشت ، آن میوه شیرین و مقوی نیز مزید بر شیر می شد، اما سربازان یک ارتش عربی غذای خوب می خوردند و یکی از چیزهایی که مردم را تشویق می کرد داوطلبانه سرباز بشوند این بود که در ارتش قروه بن مخلب و سایر سرداران عرب ، به سربازان غذای خوب می دادند و علاوه بر آن ، هر سرباز مستمری ، هم دریافت می

## تاریخ ساسانیان

کرد. (این توضیح رو به این خاطر دادیم تا خوانندگان گرامی وضع سپاه قروه بن مخرم و سایر سردان عرب قبل از اسلام را با وضع سربازان بعد از اسلام اشتباه نکنند)



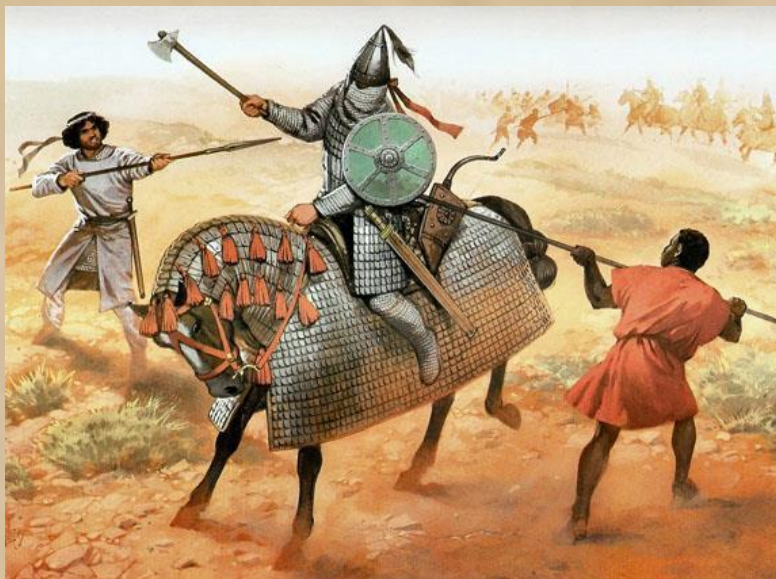
### سوار نظام زره پوش ساسانی که به عنوان یکی از ارکان قدرت لشکر ارتش ساسانی به حساب می آمد

سربازان قروه بن مخرم در زمان حمله به ایران دارای تمام ساز و برگ جنگی آن زمان بوده اند ( تصور نکنید آن ها فقط دارای پیراهن و یک شمشیر یا نیزه بوده باشند)، نیروی آن ها متشکل بود از پیاده و سوار و صنف منجنین ، اما ارابه جنگی نداشتند ، برای این که داشتن ارابه های جنگی احتیاج به صنعتی داشت که اعراب فاقد آن بودند ولی میتوانستند با چوب منجنین بسازند و آن را به وسیله اسب یا قاطر حمل کنند.

یکی از اشتباهات بعضی از مورخین این است که تصور کرده اند اعراب بادیه نمیتوانستند مانند یک قشون منظم ، در میدان جنگ توقف کنند و روز ها و هفته ها بجنگند . به گمان آن ها قبایل عرب بادیه فقط می توانستند یک روز یا حداکثر دو روز بجنگند و بعد بروند ، زیر در آن ها به مناسبت صحرا نشینی و این که دایم در حال حرکت بودند پای استقامت لنگ بود. اما این تصور صحیح نیست و اعراب چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام بار

## تاریخ ساسانیان

های جنگ های طولانی کردند که نه فقط هفته ها ، بلکه ماه ها طول کشید. جنگ صفین که بعد از ظهور اسلام بین حضرت علی بن ابیطالب (ع) و معاویه در گرفت در حدود یک سال و به روایتی هیجده ماه به طول انجامید.



چون خط حرکت سپاه سردار عرب در طول ساحل غربی دجله بود ، شاپور دوم نیروی خود را از دجله گذرانید و طرف مغرب دجله مستقر کرد اما ساحل شرقی راه هم خالی نگذاشت چون ممکن بود قروه بن مخلب نیروی خود را از دجله بگذراند و در ساحل راست رودخانه مستقر شود و اگر نیروی کافی در آنجا برای جلوگیری از او آماده نباشد ، بدون اشکال به تیسفون خواهد رسید.

آفراتس مورخ می گوید که در آن موقع در شهر تیسفون هشت پل وجود داشت که مشرق و مغرب شهر را به هم مرتبط می کرد و شاپور دوم برای عبور دادن قسمتی از نیروی خود از پل ها استفاده کرد و قسمت دیگر نیروی خود را از پل ها عبور نداد، برای این که به قول (آفراتس) تیسفون دو پادگان بزرگ داشت یکی در مشرق رود دجله و دیگری در مغرب آن و هر دو در خود شهر.

## تاریخ ساسانیان



شاپور دوم قبل از حرکت با سپاهش برای مقابله با سپاه دشمن در جلسه ای با سردارانش با آن ها به شور نشست و گفت که باید سپاه اعراب را قبل از رسیدن به تیسفون متلاشی کنند و اگر سپاه اعراب متلاشی نشد بایستی تمام پل های شهر تیسفون ویران شوند تا اعراب نتوانند به راحتی وارد پایتخت شاپور دوم شود. پل هایی که در آن زمان دو قسمت تیسفون را به هم مربوط می کرد، پل های بنایی بود یعنی پل هایی که با سنگ و ساروج و آجر ساخته بودند و ساروجی که برای ساختن پل ها به کار می رفت یک نوع ساروج پخته بود که تقریباً مثل سیمان امروز خیلی محکم می شد و در پل سازی و سدسازی و ساختن حوض و آب انبار و مجراهای غیر قابل نفوذ از آن استفاده می کردند، از این جهت پل هایی بود محکم که در قبال طغیان بهاری دجله که می دانیم بعضی از سال ها خیلی شدت داشت مقاومت می کرد و ویران کردن آن پل ها مشکل می نمود.





معهدا در مواقعی که بایستی در مدت کم یک پل بنایی را ویران کرد، روی پل و زیر آن با نصب منقل های بزرگ فلزی آتش های عظیم می افروختند و حرارت شدید آتش سنگ ها و آجرهای پل را بسیار گرم می کرد به طوری که آج و سنگ سرخ می شد ، آن وقت به وسیله منجیق ، از راه دور محفظه های آب را به سوی منطقه گرم پرتاب می کردند. بر اثر تبخیر سریع آب سنگ ها و آجرهای پل در بالا و پایین منفجر و متلاشی می شد و پل فرو می ریخت بدون این که آسیبی به کسی برسد.

شاپور دوم در آسمان روز از ماه اول پاییز (26 یا 27 هر ماه) برای عهده گرفتن فرماندهی سپاه خود از تیسفون خارج شد. شاپور دوم که نمیخواست سردار عرب به پایتخت او نزدیک شود به استقبال قروه بن مقلب رفت. چون روز های پاییز کوتاه بود سپاه را در اولین طلوعه بامداد به حرکت در می آوردند و راه پیمایی تا شب ادامه می یافت و آن ها در وسط روز توقف نمی کردند، چون اگر توقف می کردند به مناسبت کوتاهی روز ، از راه پیمایی باز می مانند ، در عوض سربازان به مناسبت طول شب فرصت کافی برای استراحت داشتند.

## تاریخ ساسانیان

روز دوم بعد از این که اردوگاه را به وجود آوردند و شاپور دوم از کارهای مربوط به فرماندهی سپاه آسوده شد، دستور داد برایش غذا بیاورند. شاپور دوم چون به سفر جنگی می رفت بدون تشریفات غذا میخورد و خدمه اش، یک میز کوچک که دارای پایه های کوتاه بود در خیمه شاپور دوم جلوی او می گذاشتند، در همین روز شاپور دوم در زمان خوردن غذایش دچار گیر کردن غذا در نای شد که با وارد عمل شدن پزشک ایرانی شاپور رواز مرگ با خفگی نجات داد، شاپور به پاس خدمت این پزشک به او یک صد سکه زر پاداش داد.



سرباز زره پوش - دوران ساسانیان

Soldat en cote de maille. Epoque Sassanide  
Soldier in armour, Sasanian period

### بیکار بزرگ در کنار رود دجله

سرانجام در روز دهم ماه آبان سال 328 میلادی دوسپاه که یکی از شمال به سوی جنوب می رفت و دیگری از جنوب عازم شمال بود، کنار رود دجله هنگامی که قرص خورشید به افق مغرب نزدیک می شد بهم رسیدند. شاپور دوم و سردار عرب دریافتند که در آن روز نمی توانند بجنگند چون روز کوتاه فصل پاییز رو به

## تاریخ ساسانیان

اتمام بود برای همین هر دو تصمیم گرفتند که اردوگاه های سپاه خویش را جهت استراحت سپاهیانشان برپا کنند.

زمانی که اردوگاه ایرانیان به وجود آمد شاپور دوم یکی از افسران ارشد خود را فرمانده اردوگاه کرد و به او دستور داد تا مواظب شبیخون سپاه اعراب باشد و تدابیر ویژه ای برای جلوگیری از تهاجم غافلگیرانه اعراب بکار بندد .

و از طرف دیگر سعی کند گشتی هایی را جهت شناسایی اردوگاه اعراب روانه کند ، علاوه بر شناسایی اردوگاه دشمن ، این گشتی ها باید تا حد امکان سربازان گشت سپاه دشمن را نیز که برای شناسایی سپاه ایرانیان می آمدند اسیر کنند ، تا از چند چون سپاه اعراب اعم از تعداد سپاه ، نوع سلاح ها و .. سرداران ساسانی باخبر شوند .

شاپور دوم در آن شب قصد شبیخون زدن به سپاه اعراب نداشت برای این که او متکی به ارابه های جنگی خود بود و می دانست که روز بعد می تواند بهتر از وجود ارابه های جنگی خود در برابر اعراب بهر بیرد. پیش بینی شاپور دوم از با تجربگی سردار عربی بیراه نبود ، چون همین که قدری از شب گذشت اطراف اردوگاه سپاه دشمن روشن شد و مشعل ها افروخته شدند ، روشن شدن مشعل ها و نورانی کردن اطراف اردوگاه نشان از پیشگیری سردار عرب جهت شبیخون احتمالی سپاه شاپور دوم خبر میداد .



همین که صدای خروس سحری از قصبات واقع در کنار رود دجله به گوش رسید، در اردوگاه صدای موزیک نظامی برخاست و سربازان را از خواب بیدار کرد، سربازان پس از بیدار شدن و قبل از برچیده شدن اردوگاه ها جیره غذایی خود را مصرف می کردند. به نقل از منابع ارمنی جیره هر سرباز ساسانی عبارت بود از یک گرده نان و مقدای کروت و پنیر بود که او را به خوبی سیر می کرد، جیره ی غذای سپاه اعراب هم عبارت بود از نان و گوشت، آرد کشک (کشک کوییده) و خرما بوده است برخلاف آنچه ممکن است تصور کنند خرما جزو مواد غذایی دایمی سربازان عرب نبوده است.

بعد از این که هوا روشن شد، شاپور دوم نخست حمله را آغاز کرد. جبهه شاپور دوم متشکل می شد از دو جناح (راست و چپ) و یک قلب (در وسط دو جناح) و یک ذخیره (در عقب).

## تاریخ ساسانیان

آرایش جبهه قروه بن مخلب نیز همانطور بود، او هم دو جناح و یک قلب ذخیره داشت. سردار عرب تمام منجنیق های خود را مقابل دو جناح قرار داده بود و آن مانور، شاپور دوم را از لحاظ به کار انداختن ارابه ها، در دو جناح یا یک سردار عرب دچار اشکال می کرد، چون منجنیق ها بر ارابه ها سنگ می باریدند و اسب ها را به قتل می رسانیدند و ارابه ها را متوقف می کردند.

شاپور دوم اطلاع داشت که (قروه بن مخلب) سرداری است مجرب و او را نمی توان با جنگ زرگری از پا در آورد، بلکه بایستی شیرازه سپاه او را گسست تا این که قشون وی از پا در بیاید و برای از هم پاشین سپاه سردار عرب در مدتی کم بهترین سلاح هم همین ارابه های جنگی بود. در نهایت شاپور دوم فرمان حمله با ارابه ها به قلب سپاه دشمن صادر کرد، هم زمان با حمله ارابه های سپاه ایرانیان به سپاه اعراب، جناح راست شاپور دوم پیادگان و در جناح چپ وی سواران نظام قدرتمند ایران به دو جناح سپاه عرب حمله ور شدند.



اسب هر سوار از سواران شاپور دوم روی سینه یک زره مخصوص داشت که سینه و قسمتی از گردن اسب را از خطر شمشیر و تبر و نیزه حفظ می کرد. برتن هر سوار یک زره دیده می شد و سواران مجاز بودند که با شمشیر یا با تبر پیکار کنند.

## تاریخ ساسانیان

پیاده نظام سپاه شاپور دوم از جناح راست به حرکت در آمدند و به سوم خصم رفتند و با پیاده نظام جناح چپ سپاه عرب برخورد کردند ، در این نبرد پیاده نظام اعراب مقابل پیاده نظام ایران سرسختی بسیاری از خود نشان و به خوبی مقاومت کردند.



**پیاده نظام امپراطوری ساسانی و سپاه اعراب که در این نبرد پیاده نظام اعراب عملکردی خوبی از خودشان نشان دادند**

اما سواره نظام ساسانی که از جناح چپ به جناح راست سپاه اعراب که شامل نیزداران سپاه دشمن بودند برخورد کردند جناح راست سپاه اعراب برعکس جناح چپ یعنی پیاده نظام اعراب نتوانستند در مقابل سواره نظام ساسانی کاری از پیش ببرند .

قروه بن مقلب در قلب سپاه خود بود ، زمانی که دید ارابه های جنگی به سوی قلب جبهه او می آیند فرمان داد تا هرچه سریعتر منجنیق هایی که در کناره های سپاه بود به مرکز سپاه بیاورند ولی این امر محقق نشد و در زمان مناسب نتوانستند منجنیق ها را به قلب سپاه بیاورند و ارابه های جنگی سپاه شاپور دوم طوری بر مرکز سپاه سردار عرب فشار وارد آوردند که سپاه قلب مجبور به عقب نشینی شد ، ولی او با این حال سردار عرب می کوشید که تماس خود را با دو جناح خود حفظ کند ، در صورت عدم حفظ قلب سپاه ، جناحین سپاه قروه بن مقلب محاصره می شد و به طور کلی سپاه وی متلاشی یا از هم گسیخته می شد.



در جناح چپ قروه بن مخلص سربازان پیاده او عملکرد خوبی داشتند اما در جناح راست او، پیادگان عرب نمی توانستند در قبال سواران ایرانی به خوبی پایداری کنند، و نتوانستند از پیشرفت سواران شاپور دوم ممانعت کنند و سواران ایرانی جبهه عرب نیروی مقاومت اعراب را از بین بردند و نتوانستند از پشت قلب سپاه عرب سر به در بیاورند. به این ترتیب هرچه از نیروی قروه بن مخلص که در قلب سپاه بود در محاصره قرار گرفت.

قروه بن مخلص که می دانست اگر اسیر شود گرفتار عقوبت خواهد شد ( برای این که اسیران ایرانی را در حمله های گذشته اش کشته بود)، درصدد فرار برآمد ولیکن راه فرار را بسته دید، چون شاپور دوم مستحضر شد که سواران او در عقب قلب سپاه قروه بن مخلص قرار گرفتند و آن قسمت از نیروی ذخیره را به کمک پیاده نظام ایرانی که نتوانستند در برابر پیاده نظام اعراب پیشروی داشته باشند فرستاد و نیروی پایداری جناح چپ را سپاه دشمن را تا آن زمان مقاومت خوبی کرده بود از بین بردند و به این ترتیب نیروهای سپاه قروه بن مخلص به محاصره در آمدند.

## تاریخ ساسانیان

روز کوتاه پاییز به انتها می رسید و شب نزدیک می شد. شاپور دوم که می دانست سردار عرب مردی سرسخت است دستور داد که مشعل ها را آماده کنند تا این که بعد از فرود آمدن تاریکی افروخته شوند و سراسر خط محاصره روشن باشد.

پس از این سپاه عرب چندین بار تلاش جدی برای از بین بردن خط محاصره نیروهای ایرانی انجام داد ولی هر بار با شکست روبه رو شد و در نهایت پس از چند روز نیروهای سپاه عرب بعد از دیدن عدم موفقیت در شکستن خط محاصره نیروهای شاپور دوم، نیروهای سپاه اعراب دسته دسته تسلیم نیروهای ساسانی شدند.



**سربازان نیزه دار سپاه اعراب که در این نبرد قافیه را به سواره نظام زره پوش ساسانی باختند**

پس شکست نیروهای سپاه اعراب و دستگیر شدن سردارشان یعنی قروه بن مخلب، سردار عرب را به پیش امپراطور ساسانی آوردند، شاپور دوم در آن موقع جوانی زیبا بود و قوتی قروه را نزد شاپور بردند هر دو متحیر شدند. سردار شکست خورده عرب از زیبایی شاپور دوم حیرت کرد و شاپور از زشتی قروه بن مخلب!



## تاریخ ساسانیان

چون قروه خسته به نظر می رسید شاپور دوم به او اجازه نشستن داد و از او در مورد قتل و غارتی که سپاه اعراب در نبرد های قبل بر سر ایرانیان آوردند بازخواست کرد .

شاپور دوم پس از بازخواست از قروه بن مخلص گفت ، تو اگر بدون قتل و غارت و اسارت اتباع من به جنگ من می آمدی و شکست میخوردی من از تو فقط غرامت می گرفتم و تو را مجازت نمی کردم. از قدیم مجازات سردار شکست خورد را که خود مقدم بر جنگ می شود پرداخت غرامت قرار داده اند ، ولی تو بارها به کشور من تهاجم کردی و بناب اعتراف خود یک صد و پانزده هزار تن از اتباع مرا غیر از تاراج اموال نابود کردی و من نمیتوانم از مجازات تو صرف نظر کنم.

پس وقتی سردار عرب سخنان شاپور دوم را شنید گفت در کشور تو سرداری چون من وجود ندارد و تو میتانی از من در جنگ ها خیلی استفاده کنی ، پس از قتل من صرف نظر کن تا این که من با رسیدن به یک منصب بزرگ وارد خدمت تو بشوم.

شاپور دوم اظهار کرد کرد که اگر این تقاضای تو را بپذیرم جواب آن یکصد و پانزده هزار تن را که به دست تو به قتل رسیده اند یا به طور دیگری معدوم شده اند چه بدهم ؟

قروه بن مخلص گفت آنها از بین رفته اند و از تو نخواهند پرسید که چرا از کشتن من صرف نظر کردی.

شاپور دوم گفت : ابن مخلص ! آن ها گرچه دیگر در این جهان نیستند اما از بین نرفته اند و نیروانا ( یعنی در بهشت ) زنده هستند و حیات آن ها همیشگی است و بدون تردید مرا مورد پرسش قرار خواهند داد که چرا از کیفر تو صرف نظر کردم .

## تاریخ ساسانیان

در نهایت شاپور دوم قروه بن مخلص را به دست دژخیم خود داد و او را به کیفر اعمال خود رساند ، بعد از مرگ قروه بن مخلص تا مدتی اعراب به ایران تجاوز نکردند ، تا این که پسر قروه موسوم به سعد به ایران حمله ور شد.

### اصطلاحات

**آسمان روز:** بیست و ششم هر ماه بود یا روز بیست و هفتم. در ایران باستان هر روز از ماه اسم مخصوصی داشت و بعضی از اسامی روز ها در شاهنامه آمده از همین آسمان روز و سخن سرای طوس می گوید :

مه بهمن و آسمان روز بود      که حاکم به این نامه پیروز بود

**کروت:** یک غذای مقوی و لذیذ بود که میتوانیم بگوییم شباهت به کتلت ماشینی امروزی داشت چون آن را تقریباً مثل کتلت ماشینی امروز تهیه می کردند به این ترتیب که گوشت را به دست سربازانی که مامور کارهای آشپزخانه بودند، در هاون های بزرگ با پیاز می کوبیدند و بعد مقداری آراد را با گوشت به خوبی مخلوط می کردند و نمک می زدند و آنگاه در تابه های بزرگ به شکل قطعات مدور سرخ می کردند و به هرسرباز در هر جیره ، یکی از قطعات سرخ شده را که موسوم به کروت بود می دادند و چون قطعه ای پنیر هم به سرباز داده می شد و نان او هم بزرگ بود، سه بار در روز سیرش می کرد.

کتاب ایران در زمان ساسانیان نوشته آرتور کریستن سن

گردآوری و تنظیم عادل خدرخوجه

کپی این مطلب بدون ذکر نام نویسنده شرعا و عرفا حرام می باشد